خبر

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس:

تساوی در پرداخت یارانه خلاف عدالت است

● **تسنیم:** عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با بیان «برای حذف دهک‌ها معیارهای زیادی داریم» گفت: اولا یارانه مساوی به همه خلاف عدالت است، ثانیا یارانه بیت‌المال نیست بلکه بازتوزیع است بنابراین با حذف چند دهک پردرآمد حقی از کسی ضایع نمی‌شود. «ایرج ندیمی» در ادامه اعلام کرد: بر اساس قانون هدفمندی باید از پرداخت متناسب با درآمد پیروی می‌شد، در ابتدا هم قرار بود که بر اساس درآمد خانوار یارانه پرداخت شود، ولی به هر دلیلی گزینه برابر و مساوی انتخاب شد. این انتخاب از لحاظ قانونی محل مدیریت دارد، یعنی می‌توانیم به قانون هدفمندی یارانه‌ها که هنوز تغییر نکرده، برگردیم.

او افزود: این قانون به درآمد خانوارها اشاره دارد. موضوع بعدی این است که واقعیت خدمات جبرانی می‌گوید کسانی که ممکن است از این اجرا هزینه‌هایی را متحمل شوند که سنگین باشد، بنابراین باید به آنها کمک شود.

وی تصریح کرد: همان‌گونه که امثال بنده بر اساس سی‌وچند سال کار و درآمد و حقوق احساس کردیم به این یارانه نیاز نداریم و حق ثبت‌نام را نداریم و یک‌ریال هم از محل یارانه دریافت نکرده‌ایم، افراد دیگری هم هستند که بالاتر از بنده هستند، مخصوصا اشخاصی که از نظر مالیات، تجارت، حقوق و درآمد قابل شناسایی هستند. چه نیازی است که به همه افراد کمک جبرانی می‌دهیم. مگر الان کمیته امداد و بهزیستی به همه کمک می‌کنند، قانون هدفمندی هم نگفته که به همه کمک کنید.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اظهار کرد: خانواده‌ای که ده‌ها میلیون تومان از راه قانونی درآمد دارد برای چه باید ۴۵هزار تومان به آنها بدهیم. همین‌طور فردی که تا امروز از یک دوچرخه استفاده نکرده یا از سهم یارانه بنزین در سی‌وچندسال اخیر استفاده نکرده، چرا باید به این فرد کمک نکنیم.

ندیمی با تاکید بر «عدالت حکم می‌کند یارانه را به حق‌دار برسانیم نه به همه» بیان کرد: متاسفانه عدالت در ایران به‌غلط تعریف می‌شود و از آن فقط معنی مساوات می‌گیرند. مساوات نیز در برخی جاها عدالت است، اما همه عدالت مساوات نیست. عدالت به ذی‌حق رساندن است نه به همه رساندن، به‌عنوان مثال از طریق بنیاد مسکن به کسی که فاقد مسکن است زمین می‌دهیم و خانه را می‌سازد. یا در ارتباط با مالیات گفتیم تا سقف ۸۰۰هزار تومان مالیات معاف است، اما برای حقوق چند میلیون تومانی مالیات معاف نشده است.

وی گفت: بنابراین واقعیت‌های قانونی و شرعی می‌گوید ما باید در مورد یارانه‌ها عمل متناسبی را داشته باشیم، یعنی جبران کمک دهک‌های پایین می‌شد نه افزایش درآمد دهک‌های بالا. به‌اصطلاح معروف سگ و گربه بعضی افراد بیش از ۴۰، ۵۰هزار تومان هزینه ماهانه دارند. یا ماشین‌های چندصدمیلیون تومانی دارند، نباید به این افراد کمک جبرانی شود.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس یادآور شد: برخی شبهه ایجاد می‌کنند و می‌گویند یارانه بیت‌المال است و باید به همه پرداخت شود. اولا این یارانه بیت‌المال نیست و بازتوزیع است، یعنی ما از مردم می‌گیریم و به مردم می‌دهیم. از پول نفت یا جاهای دیگر نباید یارانه بدهیم. اول یک حامل مثل بنزین گران می‌شود و افزایش مازاد بر سقف قبلی توزیع می‌شود.

به‌گفته ندیمی، به نظر می‌رسد در شرایط کنونی حذف دهک‌ها هم منطقی، هم عادلانه و هم ضروری است. اگر قبلا این کار انجام نشده دولت اشتباه مرتکب شده است.

وی افزود: در حال حاضر برای اجرای حذف دهک‌ها مشکلی نداریم. در این راستا باید یک معیار واحد در اختیار داشته باشیم، مثلا یک خبرنگار درآمد محدودی دارد که معلوم است، درآمد کسی که حجره دارد معلوم است یا اینکه درآمد حقوق‌بگیران هم مشخص است. افراد بالاخره در جایی قابل شناسایی هستند. وی تصریح کرد: اگر کسی را پوشش ندادیم بعدا این مساله را برطرف کنیم، بنابراین اصل اجرا را نباید زیر سوال برد.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس خاطرنشان کرد: دهک‌ها، خط فقر و هزینه‌ها معلوم است و باید بر این اساس معیارها را تعیین کرد. باید بر پایه معلومات و بانک‌های اطلاعاتی کشور عمل کنیم. ممکن است از صفر شروع کنیم اما به صد خواهیم رسید.

ندیمی گفت: هیچ ایرادی ندارد که دهک‌های با درآمد بالا از فهرست یارانه‌ها حذف شوند.

وی در پایان یادآور شد: باید اشاره کنم که عدالت با مساوات فرق دارد، قانون از ابتدا نگفته همه برابر هستند و این قانون دایمی نبوده و پنج‌ساله است. بنابراین چنانچه در مسیر حذف دهک‌ها اشتباهی مرتکب شدیم باید آن را جبران کنیم. پرداخت یکسان یارانه نقدی به تمامی افراد جامعه غیرقانونی است و بر همین مبنا طرح شناسایی و حذف سه‌دهک از افرادی که نباید یارانه نقدی دریافت کنند را به مجلس برده است. شناسایی این افراد آسان است، به‌طور مثال کارمندان دولتی که بیش از دو تا سه‌میلیون تومان در ماه حقوق می‌گیرند کاملا قابل شناسایی هستند، افرادی که خودرو شخصی آنها از مدل و قیمت خاصی بالاتر باشد به‌راحتی قابل شناسایی هستند، دارایی بسیاری از افراد از طریق میزان مالیاتی که پرداخت می‌کنند قابل پیگیری است و در صورتی که این اقدام صورت نگیرد دولت نمی‌تواند کسری بودجه ۵۴هزارمیلیاردتومانی که با اجرای قانون هدفمندی دست به گریبانش شده است را جبران کند.

حسین راغفر در گفت‌وگو با «شرق» هشدار داد

۱۵میلیون نفر از طبقه متوسط در معرض حذف یارانه نقدی

دومان سهند



عکس: آیدین رهبر، شرق

«دکتر حسین راغفر» یکی از اقتصاددانان منتقد شیوه اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بود که بعد از سال‌ها شاهد تحقق‌یافتن پیش‌بینی او و بسیاری از اقتصاددانان در مورد ایجاد رانت و ناکارآمدی شیوه نقدی پرداخت یارانه‌ها بودیم. با توجه به بحث حذف سه دهک و اعلام دولت مبنی بر عدم توانایی شناسایی سه دهک بالا در این مورد، در دفتر او در دانشگاه «الزهرا» به گپ و گفت نشستیم. او معتقد بود نه‌تنها به آسانی می‌شود افرادی که استحقاق دریافت یارانه را ندارند شناسایی کرد بلکه باید در نحوه پرداخت یارانه‌ها هم اصلاحاتی صورت پذیرد.

آقای «راغفر» به نظر شما منظور نمایندگان از سه دهک بالا چیست؟ آیا واقعا ما نزدیک به ۲۲میلیون نفر سرمایه‌دار در کشور داریم که مجلس اصرار به حذف یارانه آنها دارد؟

به نظرم این رویکردی که مجلس تصویب کرده اشکال دارد. منظور نمایندگان از سه دهک ۳۰درصد جمعیتی بالاست. اصلا معنایش این نیست که در چه گروه درآمدی قرار می‌گیرند ممکن است افرادی با هر درآمدی در این دهک قرار گیرند زیرا جمعیت زیادی از مردم که درآمد پایینی دارند و در دهک‌های بالا قرار نمی‌گیرند در حالی‌که دهک درآمدی بالا شامل عده بسیار کمی از مردم می‌شود. آماری که مجلس اعلام کرده یعنی حذف ۲۲میلیون نفر، عملا سه دهک جمعیتی را شامل می‌شود نه سه دهک درآمدی را. بنابراین استنباط نمایندگان مردم از دهک با آنچه اقتصاددانان از آن به‌عنوان دهک نام می‌برند کاملا متفاوت است.

به نظر شما این اقدام مثبتی است و آیا امکان شناسایی این افراد با میزان درآمدشان امکان‌پذیر است؟

البته این بد نیست که ما افراد با درآمد بالا را شناسایی کنیم و از فرآیند دریافت یارانه کنار بگذاریم ولی واقعیت این است که شناسایی به این معنا اصلا امکان‌پذیر نیست چون ما اولا اصلا بانک اطلاعاتی دقیقی که بتواند درآمد افراد را شناسایی کند نداریم. کشورهایی که بر اساس درآمد افراد، اقدام به تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی می‌کنند نظام مالیاتی منسجم دارند. در این نظام مشخص مالیاتی به راحتی می‌توان فهمید، چه کسی به چه میزان مالیات پرداخت کرده است. حتی بر اساس نظام مالیاتی مشخص می‌شود فرد چقدر درآمد داشته است. هیچ جای دنیا از مردم نمی‌پرسند که درآمد شما چقدر است و حتی در بعضی از کشورها این جزو سوال‌های ممنوعه است.

پس چگونه می‌شود افرادی که مستحق دریافت یارانه نیستند را شناسایی کرد؟

در مورد ایران دو اقدام می‌توان انجام داد: اولی مجموعه بانک‌های اطلاعاتی است که در اختیار نظام است که به‌وسیله آن می‌توان هم گروه‌هایی که مستحق دریافت یارانه هستند و هم سایر افرادی را که نیاز به یارانه ندارند، شناسایی کرد. این موضوع برحسب ویژگی‌های خانوارها مشخص می‌شود. در ضمن بانک‌های اطلاعاتی موجود ما این امکان را می‌دهد که این افراد شناسایی شوند. به‌عنوان مثال بسیار روشن است که چه افرادی چه دارایی‌هایی دارند مانند خودرو لوکس، ملک یا حتی بسیار روشن است چه افراد در سال مسافرت‌های خارجی دارند. این موارد کاملا نشان می‌دهد که این افراد جزو کسانی که درآمد پایین داشته‌اند نیستند و می‌توانند جزو افراد درآمدهای بالا محسوب شوند. بنابراین این افراد به خودی خود از دریافت یارانه کنار گذاشته می‌شوند.

ویژگی‌های افرادی که استحقاق دریافت یارانه دارند چیست و چگونه می‌شود آنها را شناسایی کرد؟

گروه‌هایی که درآمد پایینی دارند و مستحق دریافت یارانه هستند را هم می‌توان به آسانی شناسایی کرد به‌عنوان مثال اگر خانواده‌ای سرپرست زن داشته باشد به طور قطع می‌توان این خانواده را جزو خانواده‌های مستحق محسوب کرد. آمارهای اقتصادی هم تا ۵۰درصد این گفته را تایید می‌کنند. از سوی دیگر خانواده‌هایی که جمعیت زیادی دارد به احتمال زیاد درآمد پایینی هم دارد و می‌شود گفت جزو خانواده‌های مستحق دریافت یارانه محسوب می‌شود. طبق آمارهای موجود، تا ۸۰درصد این خانواده‌ها جزو خانواده‌های کم‌درآمد قرار می‌گیرند. اگر خانواده‌ای فرزند معلولی داشته باشد به احتمال ۹۵درصد فقیر است. با توجه به این موارد و ویژگی‌های خانوارها، می‌توانیم خانواده‌ها را دسته‌بندی کنیم و بگوییم چه خانوارهایی به طور قطع یا نزدیک به یقین مستحق دریافت یارانه هستند.

یعنی در علم اقتصاد معیاری برای شناسایی افرادی که باید زیر چتر حمایتی دولت قرار بگیرند، هست؟

درجه فقیربودن خانوارها را می‌شود برحسب ویژگی‌های آنها تعیین کرد که در علم اقتصاد از آن به‌عنوان آسیب‌پذیری نسبت به فقر یاد می‌شود. یعنی درجه آسیب‌پذیری خانوارها را نسبت به فقر می‌شود تعیین کرد و بعد گفت منابعی در اختیار دولت است که باید در اختیار این افراد قرار گیرد. البته خانواده‌هایی هم هستند که هنوز فقیر نیستند ولی در معرض فقر قرار دارند.

پس شناسایی آنها هم بسیار آسان است و اینکه عده‌ای می‌گویند امکان شناسایی سه دهک وجود ندارد، حرف اشتباهی می‌زنند؟

به نظر من با توجه به توضیحات بالا، شناسایی خانوارهای مستحق دریافت یارانه کاملا امکان‌پذیر است.

پس چرا از همان اول آغاز این طرح این افراد شناسایی نشدند و دولت به صورت مساوی یارانه را بین همه افراد جامعه تقسیم کرد؟

از روز اول هم قابل شناسایی بود ولی دولت قصد این کار را نداشت. در واقع دولت می‌خواست در بین تمام اقشار جامعه محبوب بماند و نکته دوم، فسادی است که در این رابطه وجود دارد. وقتی معاون رییس‌جمهور می‌گوید حدود ۷۶میلیون نفر یارانه دریافت می‌کنند اما با نگاهی سطحی می‌توان فهمید که عده زیادی از افراد، یارانه نمی‌گیرند. این همان فسادی است که در فرآیند پرداخت یارانه نقدی اتفاق می‌افتد. جالب است که آمار دریافت‌کنندگان یارانه گاهی از جمعیت کشور هم بالاتر می‌زند، سوال اینجاست که این مبالغ کجا می‌روند؟ این اتفاق غیراز رانت‌خواری و ایجاد فساد، معنای دیگری ندارد.

پس چرا اقتصاددانان از همان روز اول با این طرح مخالفت نکردند و حتی بعضی از آنها با آن بسیار موافق بودند؟

ما از روز اول به صورت مکرر گفتیم که این نوع پرداخت می‌تواند رانت و فساد گسترده‌ای تولید کند که امکان ردیابی آن برای نظام، بسیار پرهزینه است. به نظر من این شیوه پرداخت نه منطقی است نه در طولانی‌مدت امکان‌پذیر است. بر اساس این طرح، حدود ۵۰درصد هزینه پرداخت‌شده در بخش یارانه‌ها برای تامین تفاوت قیمت مواد غذایی در اختیار مردم قرار می‌گیرد و این خود یک اشتباه بزرگ است به دلیل اینکه در این جامعه بهداشت، آموزش و پرورش و زیرساخت‌ها فراموش می‌شود.

به نظر شما چه تعداد از ایرانیان مستحق دریافت یارانه هستند؟ و اصولا تعیین رقم دقیقی امکانپذیر است؟

بر اساس مطالعات ما حدود ۳۲میلیون نفر استحقاق دریافت یارانه را دارند اما به درجات مختلف که این هم قابل شناسایی است. می‌توان آن را بر اساس میزان آسیب‌پذیری خانوارها نسبت به فقر طبقه‌بندی و یارانه آن را هم بر اساس همان طبقه‌بندی پرداخت کرد. اما اینکه بگوییم امکان شناسایی صددرصدی نیازمندان به دریافت یارانه وجود دارد گفته صحیحی نیست و هیچ جای دنیا هم این امکان وجود ندارد. در انگلستان که اطلاعات ملی مشاغل وجود دارد مردم سالانه حدود ۲/۵میلیارد پوند سر دولت کلاه می‌گذارند و می‌گویند ما کار نداریم در صورتی که کار نیمه‌وقت دارند یا کارهای غیرقانونی انجام می‌دهند. هیچ جای دنیا اتفاق نیفتاده که منابعی توزیع شود و روش توزیع صددرصد درست و کامل اجرا شود. اما امکان شناسایی افراد مستحق دریافت یارانه با احتمال بیش از ۹۰ درصد وجود دارد.

بالاخره منظور دولت از سه دهک چیست؟ سه دهک بالا یعنی چه؟ آیا امکان حذف و اضافه مشمولان جدید در فهرست اولیه وجود دارد؟

آنچه دولت منظورش است سه دهک جمعیتی است نه سه دهک درآمدی. به نظر من تعداد سه دهک درآمدی بالا حتی ممکن است به سه‌میلیون نفر هم نرسد. با این حال امکان به روز کردن نظام آماری دراین‌باره وجود دارد. یعنی اگر کسی درآمدش بالا رفت یا آسیب‌پذیری‌اش نسبت به فقر بیشتر شد، اطلاعات وی را در بانک اطلاعاتی موجود وارد کرد و به این ترتیب امکان وجود خطا را در آن کاهش داد. باز هم تاکید می‌کنم، شناسایی گروه‌های بالای درآمدی و پایین درآمدی بسیار آسان است چون این افراد ویژگی‌های خود را دارند.

شما اشاره کردید طبقه مرفه و طبقه آسیب‌پذیر را راحت می‌توان شناسایی کرد ولی در این میان طبقه متوسط چه می‌شود یعنی آنها مستحق دریافت یارانه نیستند؟

تنها مشکل در این زمینه شناسایی طبقه متوسط است که یا نزدیک به خط فقر هستند یا نزدیک به دهک‌های بالای درآمدی قرار دارند که ارزیابی می‌شود نزدیک به ۱۵میلیون نفر هستند و شناسایی آنها و میزان آسیب‌پذیری آنها مقداری سخت است. این افراد ممکن است نیاز مالی زیادی به دریافت یارانه نقدی ۴۵هزارو۵۰۰تومانی نداشته باشند اما احساس روانی این گروه از افراد بسیار خاص است به طوری که آنها به دلیل عدم ثبات اقتصادی هر لحظه خود را در معرض سقوط می‌بینند؛ ضمن اینکه دریافت این مبلغ را حق خود هم می‌دانند.

بر این اساس آیا افرادی که از دریافت یارانه محروم می‌شوند حق اعتراض دارند؟

حق اعتراض وجود ندارد به دلیل اینکه هدفمندی معنایش این است که ما به‌دنبال یکسری اصلاحات اقتصادی هستیم تا وضعیت جامعه بهتر شود. با توجه به اینکه آزادسازی قیمت‌ها در اکثر موارد در دنیا انجام می‌گیرد در این میان بعضی از افراد بیشتر از بقیه در معرض آسیب‌پذیری قرار دارند و وظیفه دولت این است که با چتر حمایتی از ضربه‌پذیری این افراد جلوگیری کند بنابراین اینکه تمام افراد دریافت یارانه را حق خود بدانند کاملا اشتباه است. تمامی تلاش دولت باید آن باشد که آن گروهی که بیشتر از همه آسیب می‌بینند را مورد حمایت قرار دهد تا شکاف درآمدی و فقر در جامعه گسترش پیدا نکند. البته این به معنای این نیست که بقیه در معرض آسیب نیستند ولی باید قبول کرد که عده‌ای بیشتر از بقیه در معرض خطر هستند و باید از آنها حمایت کرد.

دولت گذشته با شعار جراحی بزرگ اقتصادی و تحول اقتصادی این طرح را اجرا کرد ولی در عمل شاهد بدترشدن اوضاع اقتصادی با اجرای این طرح بودیم به نظر شما چرا این طرح با آن شعارها شکست خورد؟

اصلاحات اقتصادی و آزادسازی قیمت‌ها باید به‌نوعی منجر به تعادل در جامعه شود و تورم و بیکاری را در جامعه کنترل کند ولی هیچ‌کدام از اینها که درواقع بهانه اجرای هدفمندی یارانه‌ها بود نه‌تنها اتفاق نیفتاد که وضعیت بدتر شد. مهم‌ترین دلیلش وجود انحصارهای اقتصادی بزرگ در اقتصاد کشور بود که اجازه اجرای کامل این طرح را نداد و حتی در مواقعی باعث گسترش فساد شد. در این طرح سالانه ۳۰میلیارددلار به مردم پرداخت می‌شود تا صرف هزینه خوراکی و برق و آب بکنند در حالی که این مبلغ می‌توانست صرف سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشور شود و شغل‌های فراوان ایجاد کند. به‌عنوان مثال اگر این ۳۰میلیارددلار در صنعت نفت سرمایه‌گذاری می‌شد نه‌تنها شاهد ایجاد شغل که باعث ایجاد درآمد ارزی برای کشور هم بودیم. اما حالا می‌بینیم که اجرای این طرح تنها کسری بودجه بالایی را برای دولت یازدهم به‌جا گذاشته است. طبیعی است دولت جدید نتواند با این روند به پرداخت یارانه ادامه دهد. در حال حاضر به دلیل عدم پرداخت یارانه تولید، شاهد رکود در این بخش هستیم. علاوه بر این موج بیکاری و سرکوب درآمدها هم دلیل دیگری بر اجرای نادرست این قانون شده است. بر اساس آمار موجود، ۳۰درصد از خانواده‌ها حداقل یک نفر با دو شغل دارند و حتی با این وجود هم نمی‌توانند سبد نیازهای اساسی خود را تامین کنند. پس این طرح نه‌تنها باعث ایجاد رفاه نشده که باعث شکاف درآمدی و فشار معیشتی به مردم شده است.

بازگردیم به شناسایی سه دهک. به نظر شما از روی نوع شغل هم می‌شود به میزان استحقاق افراد برای دریافت یارانه پی برد؟

بله روش دیگری که وجود دارد نوع مشاغل است. به‌عنوان مثال تمام رده‌های کارمندی زیر پوشش این طرح قرار گرفته‌اند در صورتی که دلیلی نداشته تا همه کارمندان یارانه بگیرند. دولت قطعا کارمندان خود را می‌شناسد و میزان درآمدهای آنها را در اختیار دارد و باید در همان ابتدای اجرای این قانون بعضی از آنها را از دریافت یارانه حذف می‌کرد اما این کار را نکرد. اما حالا باید بخشی از کارمندان دولت با درآمد بالا از فهرست یارانه‌بگیران حذف شوند.

آیا با استناد به اظهارنامه‌های مالیاتی می‌توان به میزان درآمد افراد و دهک‌های مورد نظر دست یافت؟

اصلا، به دلیل اینکه ما نظام منسجم مالیاتی در کشور نداریم. در حال حاضر جراحی داریم که ماهانه ۵۰۰میلیون تومان درآمد دارد و به دلیل اینکه در بیمارستان کار می‌کند کسی متوجه نمی‌شود ولی یک پزشک ساده به دلیل اینکه مطب دارد برایش اظهارنامه مالیاتی تنظیم می‌شود در صورتی که شاید حتی ماهانه پنج‌میلیون تومان هم درآمد نداشته باشد.

از شناسایی که بگذریم به نظر شما چگونه می‌شود اصلاحاتی در این طرح به وجود آورد تا فشار مالی کمتری به دولت وارد شود؟

یکی از راه‌های اصلاح این طرح تبدیل‌کردن این پول به کالابرگ برای افراد نیازمند است که دولت می‌تواند به‌جای اینکه زیر بار فشار تامین ماهانه نقدی یارانه‌ها قرار گیرد با شناسایی افراد مستحق کالابرگ‌های مختلفی را بین آنها توزیع کند. این روش هم از نقدینگی بالا جلوگیری می‌کند و هم موجب هدفمندشدن یارانه‌ها می‌شود. در حال حاضر مشخص نیست هر خانواری که این پول را می‌گیرد با آن چه می‌کند. حتی بعضی از خانواده‌ها از این پول برای اجاره‌بها و از این قبیل هزینه‌ها استفاده می‌کنند. بنابراین نمی‌شود گفت این پول هدفمند بین افراد توزیع شده و برای آن مصرف اولیه که در قانون پیش‌بینی شده بود از آن استفاده می‌شود.

اصلا به نظر شما این شیوه پرداخت یارانه به صورت نقدی مفید است یا شیوه‌های دیگر؟

به نظر من یارانه نقدی را باید به یک گروه کمی اختصاص داد و گروه‌های جمعیتی دیگر می‌توانند از یارانه کالابرگی یا ترکیبی از نقدی و کالابرگی استفاده کنند. این شیوه همانطور که گفتم تورم و نقدینگی را مهار می‌کند. حتی می‌توان سبدهای مختلفی را تعریف کرد. به‌عنوان مثال خانواده‌های نیازمند به خدمات درمانی بدون شک تمایل دارند به‌جای یارانه نقدی از سبد خدمات درمانی استفاده کنند. همین گفته در مورد خانواده‌هایی که فرزند محصل دارند صادق است. یعنی این گروه قطعا تمایل به استفاده از یارانه تحصیل دارند تا اینکه هر ماه یارانه نقدی دریافت کنند. به نظر من اگر انتخاب نوع یارانه را برعهده خود خانواده‌ها بگذاریم شاید بسیاری از آنها از دریافت یارانه نقدی انصراف دهند و بر اساس ترجیح زندگی خود یارانه غیرنقدی دریافت کنند. متاسفانه بر اساس آمار، حدود شش‌درصد از جمعیت شهرنشین از سوءتغذیه رنج می‌برند و دولت باید به این افراد حتما کالابرگ تغذیه‌ای بدهد زیرا اگر به صورت نقدی به این افراد پول پرداخت شود چون در زیر خط فقر قرار دارند آن را در راه دیگری استفاده می‌کنند و دولت با دادن یارانه غیرنقدی می‌تواند به این افراد کمک کند تا از تغذیه سالم بهره‌مند شوند.

با این اوصاف دولت قبلی از همان اول به بیراهه رفت؟

متاسفانه دولت قبلی ساده‌ترین راه یعنی توزیع برابر و نقدی بین همه افراد را انتخاب کرد و همیشه راه‌حل‌های ساده به‌معنای بهتربودن نیستند. از عوارض منفی این طرح می‌شود به تورم بالا، نابودی بخش تولید در کشور و گسترش بیکاری و رکود و همچنین مهم‌تر از همه بالا رفتن شکاف درآمدی و گسترش فقر در جامعه اشاره کرد که محصول یک سیاست عوام‌گرایانه و ساده بوده است.

و تکلیف دولت جدید در این آشفته‌بازار چیست؟

اگر دولت جدید اندکی حوصله کند و نگاهی بلندمدت‌تر به این طرح داشته باشد و با اصلاحات اساسی‌تر به آن نگاه کند، می‌توانیم شاهد بهبود وضعیت اقتصادی باشیم. به نظر من می‌توان راه‌حل‌های پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر را انتخاب کرد و قطعا در طولانی‌مدت این راه‌حل‌ها جواب خواهد داد.

آیا استانداردهایی در دنیا برای این طرح وجود دارد تا ما هم همان‌ها را انتخاب کنیم و ادامه دهیم؟

بله همه‌جای دنیا از این راه‌حل‌ها استفاده کرده‌اند و استانداردهایی برای آن وجود دارد. ما می‌توانیم به‌جای هزینه هنگفتی که برای راه‌حل‌های سطحی خود می‌دهیم از تجربیات آنها استفاده کنیم. به نظر می‌رسد دولت جدید به دلیل مشکلات اقتصادی و منابع محدودی که دارد عزمش را برای اصلاح بسیاری از کج‌روی‌های گذشته جزم کرده است. امیدواریم عزم سیاسی هم به آن بپیوندد تا دچار فساد و رانت مجدد نشویم. در این مملکت هرکسی که زبان انتقاد داشته را کنار گذاشته‌اند و افراد بله‌قربان‌گو را بر سر کار آورده‌اند. در دولت گذشته نسبت به بعضی از تبعات این طرح هشدار دادیم ولی به دلیل همان سیاست گزینش افراد بله‌قربان‌گو کسی صدای ما را نشنید و به همین دلیل دولت گذشته در باتلاق بیشتری فرورفت.

خیلی‌ها معتقد هستند حذف این سه دهک برای جبران کسری بودجه است. به نظر شما این کار صحیح است؟

اینکه با حذف سه دهک کسری بودجه هزارمیلیاردتومانی در پرداخت یارانه نقدی را جبران کنیم همان ساده‌سازی مشکل است که قبلا من توضیح دادم. این استدلال شاید در کوتاه‌مدت جواب بدهد و کسری بودجه دولت را تامین کند ولی در طولانی‌مدت به طور حتم با مشکل مواجه می‌شود. دولت به‌جای حذف سه دهک باید یک بازنگری اساسی در این طرح داشته باشد و به‌جای حذف افراد با درآمدهای بالا، افراد مستحق را شناسایی کند. ما باید به فکر نسل‌های آینده کشور هم باشیم و فکر کنیم در آینده چه بر سر آنها خواهد آمد و با ادامه وضع کنونی آسیب کمتری را به آنها بزنیم.

نکته

- منظور نمایندگان از سه‌دهک ۳۰درصد جمعیتی بالاست.
- خانواده‌هایی هم هستند که هنوز فقیر نیستند ولی در معرض فقر قرار دارند.
- آمار دریافت‌کنندگان یارانه گاهی از جمعیت کشور هم بالاتر می‌زند.
- بر اساس مطالعات ما حدود ۳۲میلیون نفر استحقاق دریافت یارانه را دارند.
- آنچه دولت منظورش است، سه‌دهک جمعیتی است نه سه‌دهک درآمدی.
- طبقه متوسط نزدیک به ۱۵میلیون نفر هستند.
- طبقه متوسط به‌دلیل عدم‌ثبات اقتصادی هر لحظه خود را در معرض سقوط می‌بینند.
- شناسایی طبقه متوسط مشکل است.
- باید قبول کرد عده‌ای بیشتر از بقیه در معرض خطر هستند و باید از آنها حمایت کرد.
- افرادی که از دریافت یارانه محروم می‌شوند حق اعتراض ندارند.
- بر اساس آمار ۳۰درصد از خانواده‌ها حداقل یک‌نفر با دو شغل دارند.
- هدفمندی یارانه‌ها نه‌تنها باعث ایجاد رفاه نشده که باعث شکاف درآمدی و فشار معیشتی به مردم شده است.
- اینکه با حذف سه‌دهک کسری بودجه هزارمیلیاردتومانی در پرداخت یارانه نقدی را جبران کنیم همان ساده‌سازی مشکل است.

جهانگیری خبر داد

شناسایی ۳ دهک ثروتمند با روش جدید

«اسحاق جهانگیری» در حاشیه مراسم روز ملی صادرات در جمع خبرنگاران گفت: دولت مصمم است که یارانه‌های نقدی را به فردی پرداخت کند که نیاز دارد. بر همین اساس باید گروه‌های نیازمند را شناسایی و به آنها یارانه اختصاص دهیم. معاون اول رییس‌جمهور با اعلام اینکه سه دهک ثروتمند جامعه برای حذف یارانه نقدی‌شان با روش جدید شناسایی خواهند شد، گفت: اعلام سه دهک در گذشته تنها بر اساس یک کار مطالعاتی بود. جهانگیری افزود: اینکه سه دهک جامعه شناسایی شدند تنها بر اساس یک کار مطالعاتی بوده و تا به حال به‌طور قطعی دهک‌های جامعه شناسایی نشده‌اند که سه دهک آن حذف شوند. معاون اول رییس‌جمهور افزود: این کار مطالعاتی بر این پایه است که جمعیت کشور به ۱۰ قسمت تقسیم شده و سه دهک آن که بالاترین درآمد را دارند جزو دهک‌های ثروتمند تلقی شده‌اند. البته دولت به‌دنبال آن است که بر اساس کار علمی سه دهک ثروتمند را شناسایی کند. به گفته جهانگیری، در دولت کمیته‌ای برای حمایت از خانوار در جریان اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تشکیل شده است که در قالب آن شناسایی خواهد کرد.

نگاه

همه در جست‌وجوی هدف برای یارانه هدفمند



حجت‌اله میرزایی
کارشناس اقتصادی

● به‌نظر می‌رسد چالش اصلی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها یعنی شناسایی گروه‌های هدف مشمول یارانه به اندازه‌ای مهم و تعیین‌کننده شده که سایر مسایل اصلی اقتصاد کشور یعنی تورم، نرخ بالای بیکاری، کسر بودجه دولت و حتی تحریم‌های خارجی را تحت‌الشعاع خود قرار داده و بلکه به نقطه عزیمت حل‌وفصل سایر مسایل مهم پیش‌گفته تبدیل شده است. بدیهی است این موضوع نه‌فقط مساله مهم و اول دولت و مجلس که به موضوع اصلی ذهن و زبان همه خانوارها و صاحبان بنگاه‌های اقتصادی کشور نیز تبدیل شده و چندوچون تصمیم‌گیری پیرامون آن، چه از حیث فرآیند و چه بسته سیاستی خروجی آن با حساسیت بسیاری مواجه شده است. موضوعی که سابقه گفت‌وگو پیرامون آن در محافل تخصصی و برنامه‌ریزی به اولین سال‌های پس از پایان جنگ تحمیلی یعنی زمان تدوین و اجرای برنامه اول توسعه (نزدیک به دوونیم دهه پیش) می‌رسد و دست‌کم از یک‌دهه پیش به سطح افکارعمومی رسید. ابعاد اهمیت و حساسیت‌برانگیزی این موضوع از بعد مالی آن یعنی مخارج و درآمدهای حاصل از اجرای قانون فراتر رفته و با همه مسایل روز اقتصاد کشور یعنی تورم، رکود بخش تولید، نرخ بیکاری، نوسانات بازار ارز و حتی تعاملات با اقتصاد جهانی پیوندی ناگسستنی یافته و بلکه آثار و پیامدهای هدفمندسازی یارانه‌ها با عمق و گستره بسیاری با مسایل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی کشور گره خورده است. این موضوع به‌ویژه در شش‌سال گذشته در عرصه‌های مهم اقتصاد سیاسی چون تغییر در ساختار طبقات اقتصادی و اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی چون دو انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری و جابه‌جایی قدرت در سطح ملی نیز نقشی تعیین‌کننده یافت. شاید بتوان موضوع پرداخت یارانه‌ها را مهم‌ترین موضوع دنباله‌دار و همیشگی رسانه‌های همگانی و گفت‌وگوهای محافل تخصصی و عمومی کشور دانست. با این‌وجود و این وجوه گسترده اهمیت و اعتبار، به‌نظر می‌رسد چند نکته بسیار مهم و بنیادین در اجرای این قانون و تلاش‌های جدید برای اصلاح آن وجود دارد که پرداختن به آن اجتناب‌ناپذیر است.

۱- پس از دوونیم دهه گفت‌وگوی کارشناسی و بیش از یک دهه گفت‌وگو در عرصه عمومی و نزدیک به پنج‌سال فرآیند تصمیم‌گیری و قانونگذاری و اجرا، اینک باز سوال آغازین موضوع هدفمندسازی به مساله و چالش اصلی ذهن سیاستگذاران تبدیل شده که گروه‌های هدف در قانون هدفمندسازی چه کسانی هستند و چگونه قابل شناسایی‌اند؟ و باز موضوع فقدان اطلاعات و ابزارهای فنی و اجرایی برای آن به دغدغه‌ای مهم تبدیل شده است.

۲- شیوه برنامه‌ریزی شتابزده و اجرای بی‌پشتوانه و ارزیابی عملکرد قانون هدفمندسازی و اصرار دولت گذشته بر رویه پراتلاف و فرصت‌سوز خود، بیش از همه هدف این سیاست را نه برطرف‌کردن عدم تعادل‌های منطقه‌ای و اجتماعی بلکه انتقال منابع از بخش‌های تولیدی به مصرف، گزینش روزمرگی به‌جای دوراندیشی، ترجیح اولویت‌های سیاسی خاص بر منافع همه‌جانبه ملی و ایجاد بی‌ثباتی‌ها و عدم‌تعادل‌های ریشه‌دار و گسترده در دورانی به‌غایت حساس و تعیین‌کننده می‌نمایاند.

۳- به‌روشنی آشکار است که اگر کسربودجه عظیم و قابل‌توجه (۵۰درصدی) در منابع و مخارج این قانون و نیز غیرقابل تداوم‌بودن قطعی تداوم این روند (عمدتا به‌لحاظ مالی) نبود و اگر درآمدهای نفتی سیل‌آسای گذشته همچنان تداوم داشت، باز اجرای این قانون با همین سبک و سیاق موجود تداوم می‌یافت.

۴- اضطرار و ناتوانی در تداوم این روند تا حدی است که دولت و مجلس برای موضوعی که ۲۵سال زمان مناسب و فراخناک آن از دست رفته است، ضرب‌الاجل‌های هفتگی و ماهانه تعیین کرده‌اند و تقسیم‌کار ستادی و فوریت‌داری چونان ستاد مدیریت بحران برای آن شکل گرفته است. یعنی سیاستگذاری مالی و بودجه‌ای در آغاز فعالیت دولت به‌ناچار از مسیر فرآیندهای طبیعی و اندیشیده مبتنی بر اطلاعات و ابزارهای مناسب به تصمیم‌گیری در شرایط خاص و بحرانی تبدیل شده است.

۵- دولت جدید در آغاز فعالیت خود مدیریت بحرانی را برعهده گرفته که در شکل‌گیری آن هیچ نقشی نداشته و باید درباره موضوع و چالشی و احتمالا به کسانی و دولت‌هایی پاسخگو باشد که بیشترین نقش و تاثیر را در شکل‌گیری آن داشته‌اند. و دور از ذهن نیست که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران مسوول وضع موجود در دولت گذشته و گروه‌های مسوول در بی‌توجهی به ایجاد زمینه‌های اطلاعاتی و نرم‌افزاری آن در دولت‌های پیش‌تر از آن، در آینده‌ای نزدیک طلبکارانه نسبت به‌وضع موجود مدعی شوند.

۶- باز به روشنی آشکار است که با وجود اطلاعات انبوه اما به‌شدت غیرقابل اعتماد حاصل از پرسش‌نامه‌های خوداظهاری خانوارها و برخی اطلاعات پراکنده و گمانه‌زنی‌های غیرقابل اعتمادتر از گروه‌های درآمدی هدف یا غیرهدف و نیز برخی بانک‌های اطلاعاتی پراکنده و با قابلیت اتکای محدود و جزیی (چون مشخصات خودروهای شخصی، املاک و دارایی‌های خانوارها، اطلاعات درآمدی مزد و حقوق‌بگیران، اطلاعات دفترچه‌های بیمه، خانوارهای تحت‌پوشش سازمان‌های حمایتی و...) هیچ بانک اطلاعات و ابزار فنی قابل اتکایی برای شناسایی و حتی گمانه‌زنی قابل اعتماد گروه‌های درآمدی برای هدفمندسازی واقعی یارانه‌های نقدی وجود ندارد و هر شکلی از تصمیم و انتخاب یا حذف گروه‌ها به‌چالشی بسیار مهم در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل خواهد شد هر تصمیمی باید تلفیقی خردمندانه از شجاعت و جسارت و عقلانیت و خردورزی را دربرداشته باشد.